

آرای قطعی دادگاهها

آرای محاکم دادگستری در ثبات وضع و تعادل اجتماع نقشی مهم و اساسی دارند؛ در عین آنکه فصل خصومت می کنند و ضامن ایجاد و ابقای عدالت اجتماعی هستند، نقش پیش گیرنده ای نیز بعهده آنهاست که اهمیتش کمتر از اهمیت برقراری عدالت در اجتماع نیست. هر رایی که صادر می شود، ولو آنکه بمرحله قطعی نرسیده باشد، بلافاصله انعکاسی در اجتماع دارد و پس از ایجاد عکس العمل در طرفین دعوی موجش بتدریج به قسمتهای دیگر اجتماع نیز سرایت کرده دایره های موج آن بتدریج بزرگتر می شود و در سر راه خود قسمت به قسمت اجتماع را تحت تاثیر قرار می دهد.

در واقع این نقش هشدار دهنده احکام محرکی در تعیین و انتخاب روش آینده افراد نسبت به آن مسئله بخصوص می باشد. مثلاً در اجتماعی که افرادش بعلل اقتصادی یا خلقی و تربیتی و یا نژادی و امثال آن ثقل در کسب را وسیله امرار معاش یا پیشرفت مادی خود می دانند، اگر رایی از دادگاه صادر شود که برخلاف قانون بوده بعللی منافع اجتماع در آن ملحوظ نشده باشد، کوچکترین ضررش آن است که مرتکبین ثقل در کسب را بلافاصله تشویق به انجام مقاصد ضد اجتماعی می سازد و کوشش احکام بعدی نیز برای ترمیم خسارت اول اگر هم

موثر قرار گیرد، مدتی وقت لازم دارد تا اثر ناگوار رای قبلی را از میان برده روح سرکشی افراد اجتماع را رام سازد.

در این جا نقش حساس قاضی و اهمیت وظیفه و در نتیجه بزرگی مقام او ارزش واقعی خود را آشکار می سازد و بهمین سبب در نظم بعضی از کشورهای متمدن بخصوص در نظام عدالت کشورهای آنگلو ساکسن در عین توجه به تدوین قوانین مفید دقت خاصی در انتخاب قاضی خوب بکار برده شده و دانش و تقوی و بیطرفی و نفوذ ناپذیری و تجربه و ورزیدگی قاضی بسیار مورد توجه است. بخصوص در انگلستان وقتی کسی را بر مسند قضا می نشانند که لا اقل ۱۵ سال در مقام وکالت تبحر به اندوخته و از لحاظ تقوی و فضیلت نیز امتحان خود را داده و از محک آزمایش موفق بیرون آمده باشد.

متاسفانه در کشورهای پیر و حقوق لاتین و ایران به این مسئله کمتر توجه شده است. شك نیست که در هر نظام قضایی وسایل نظارت، دستگاه و دادگاه انتظامی قضات موجود است و نقش حساس آن و انجام وظایفش متضمن ایجاد يك دستگاه قضایی سالم و مفید است، لیکن در بعضی از اجتماعات و آنهم بعلل اجتماعی و روانی و عادات و رسوم و خلیقات دستگاه های انتظامی قضات نتیجه مورد نظر را بیار نیارده است.

یکی دیگر از وسایلی که در کشورهای متمدنی و در نظام قضایی آنها برای پیشرفت فن حقوق بخصوص فن قضا موجود است، انتقاد از آرای قضایی است، چه بدین ترتیب نکات تاریک مسایل قضایی و عکس العمل احکام در خارج و گوشه های تاریک مسایل حقوقی در معرض افکار علاقه مندان و متخصصین قرار می گیرد و صادر کنند رای نیز به اشتباهات قضایی خود پی می برد و این یکی از شایسته ترین روشهای جلب توجه قاضی به رای اوست.

این روش هنوز در کشور ما معمول نگردیده و فقدان چنین رسم قضایی و عدم شرکت صاحب نظران در این مسابقه اجتماع ما را از فواید این روش بخصوص در مورد جلب توجه قضات و تذکره به آنها محروم نموده است. بعضی تصور کرده اند

که فقط بایستی آرای صادر از مراحل نهایی و عالی قضایی را مورد بررسی و نقد قرارداد، در حالی که با قبول فواید این روش بنظر می‌رسد که نقد آن را در هر مرحله که باشد، شامل فوایدی است و از جمله فایده عملی و اخذ نتیجه مطلوب در اثر روشن شدن نکات تاریک قضیه برای قضاوت مراحل بالاتر که رسیدگی همان موضوع بعهده آنها واگذار شده است. بعلاوه بازخواست اخلاقی نیز موجب تنبه و دقت لازم در صدور آرای بعدی می‌گردد.



برای مثال رای که بتازگی یکی از دادگاههای استان در مورد علایم صنعتی صادر نموده، با توجه به قانون و رویه ایران، و نیز تطبیق آن با رویه‌های کشورهای دیگر که در این مقام تجربیاتی دارند، مورد بحث قرار می‌گیرد. ولی پیش از ورود در اصل مطلب بعضی نکات لازم بعرض می‌رسد:

اصولا در دنیای امروز پیروزی کشورهای بستگی تام با وضع اقتصادی آنها دارد و ادامه حیات ملتها بدون تأمین يك وضع اقتصادی نیرومند با مشکلاتی روبرو می‌گردد، چه برتری تمدنی بر تمدن دیگر بسبب برتری وضع اقتصادی آن است که بدون تردید تکنولوژی و ماشین سهمی بسزا در این امر دارند. صنعت و کشاورزی ماشینی از عوامل حیات و بقای اجتماعات و سر پیشرفت آنها بشمار می‌آیند. هر اندازه ایجاد يك زندگی صنعتی و کشاورزی ماشینی در اجتماعی مشکل باشد، بقا و تکامل با وجود رقابت های شدید اقتصادی بمراتب دشوارتر است.

حمایت صنعت و تجارت و تشویق آنها مستلزم رعایت اصول و مقرراتی است که عدم توجه به آن مقررات ممکن است شیرازه يك اجتماع را از هم بپاشد. یکی از عوامل حمایت و تشویق صنعت و تجارت و حفظ و جلب سرمایه‌ها حق انحصاری است که به صاحبان اختراع و صاحبان علامات تجاری اعطا گردیده است. سرمایه داری که کالای خود را به بهترین نحو و با صرف هزینه های هنگفت به بازار عرضه می‌کند و برای پیشرفت و فروش بیشتر کالا آن را

تحت علامت مخصوصی در معرض استفاده مشتریان می گذارد، امیدش آنست که این علامت معرف کالای مرغوب او بوده موجب رونق بازار او و فروش بیشتر کالا گردد و اگر فرصت طلبان دیگری با آسانی موفق گردند که کالای مشابه نامرغوبی را با علامتی شبیه علامت او و بدون مانعی به بازار عرضه کنند و هیچ مرجعی از این تجاوز جلوگیری بعمل نیاورد، محقق است که هیچ شخصی یا مؤسسه‌ای حاضر به ادامه کار تولیدی نخواهد بود و کیفیت محصولات به ادنی درجه تنزل خواهد کرد و خطرات جبران ناپذیری اقتصاد کشور را تهدید خواهد نمود.

در واقع حفظ سرمایه و جلب آنها و نیز جلب منفعت مؤسسات صنعتی و فلاحتی و تجارتنی بعهده قوانین حمایتی و تشویقی است که در کشورها تا کنون توجه خاصی به آنها مبذول نگردیده است و حال آنکه بقای زندگی صنعتی و کشاورزی ماشینی و تجارت پسندیده مستلزم وضع مقررات حمایتی و تشویقی است. کما اینکه در کشور ما هنوز مقررات قیمتها وجود ندارد و در خصوص منع رقابت نامشروع قانونی وضع نگردیده و یا در مورد مقررات انحصار و ضد تراست مصوباتی به چشم نمی خورد و حتی قانونی مانند قانون ثبت علائم نیز آنطور که لازم است، مورد توجه قرار نمی گیرد.



قانون ثبت علائم که در جای خود یکی از قوانین حمایت کننده و مشوق اقتصادی است، تقلید علامتهای مشابه را برای کالاهای مشابه ممنوع و برای مشابهت بین دو علامت ضابطه و ملاکی معین نموده است. بدین معنا که برای ابطال علامت تقلیدی مشابهتی را کافی دانسته که آن مشابهت مشتریان عادی را با اشتباه اندازد. در واقع ضابطه مزبور پایه و اساس کار دادگاهها در تشخیص مشابهت قرار گرفته و آرای متعددی در این زمینه صادر گردیده است. گرچه دادگاهها هنگام اتخاذ تصمیم در مورد شباهت بین دو علامت ضابطه مزبور را اعمال می نمایند، لیکن در واقع و نفس امر این دادگاه است که شباهت یا عدم شباهت را تشخیص می نماید و لذا رویه‌های جالب و متعددی در این باره بدست آمده و

بخصوص چون این تأسیس قضایی سالیان دراز در کشورهای مرفی صنعتی رواج داشته، تجربه این کشورها در مسئله علایم قابل دقت و درخور توجه است .
 از جمله یکی از رویه‌های متداول در تشخیص شباهت بین دو علامت آنست که مجموع يك علامت و برخورد و تأثیر کلی آن را در نظر بیننده مورد مطالعه قرار می‌دهد و هر گاه مجموع آن با مجموع علامت دیگر ایجاد اشتباه نماید و یا یکی از آن دو علامت بخودی خود علامت دیگر را بخاطر آورد، ما بین آن دو علامت شباهت موجود می‌داند. و در این تشخیص لازم نیست که اجزای دو علامت شبیه یکدیگر بوده باشند.

بعبارت دیگر برای تشخیص شباهت بین دو علامت شباهت مجموعی (۱) در نظر گرفته می‌شود، نه اختلاف موجود بین جزئیات آنها. چنانکه مثلاً در

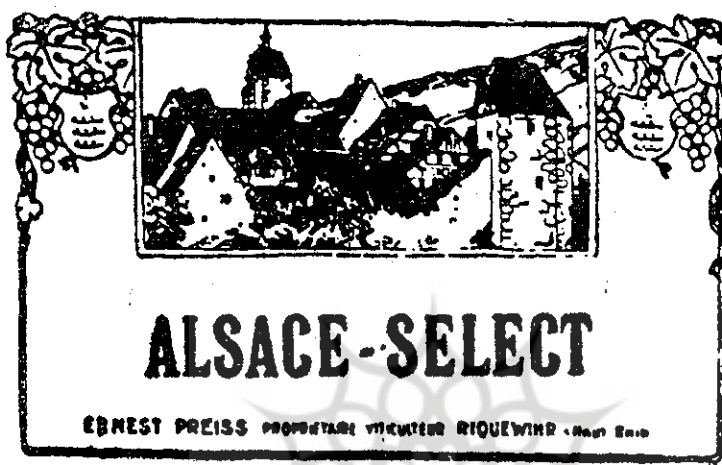


تصاویری که در بالا ملاحظه می‌فرمایید، بدون در نظر گرفتن جزئیات آنها با یکدیگر شباهت دارند و با وجود اختلافاتی از قبیل تصویر سرزن در یکی و سر مرد در دیگری، معهداً تقسیم بندی تصویر در داخل و خارج محدوده علامت و گذاردن

1) Ressemblance d' ensemble.

عكس سرزن دريكي و سر مرد در ديگري و نوشته قسمت پايين هريك ، مجموع و كل هريك از دو علامت با ديگري شبیه است و لذا داد گاه جنحه دامین فرانسه در سال ۱۹۵۰ علامت تقلیدی را در مقابل علامت اصلی محكوم کرد .

یا برای مثال دو علامت که هر دو در زمینه خود تصویر «سن سورن» را نقش نموده اند و تصویر اصلی حاکم و معتبر و دومی بعلت تقلید و شباهت محكوم شده است ، چنانکه دو تصویر زیر نشان می دهد :



Marque authentique.



Marques condamnées.

یاد و علامت زیر که وجه مشترك آنها نام «ر کال» است ، نهایت يك دارای تاج و ديگري فاقد آنست و در جزئیات ديگر نیز فرق می کنند ، با اینحال يكي معتبر تلقی و ديگري محكوم شده است :

LE RÉGAL



Marque authentique.



Contrefaçon condamnée.

البته ضوابط و ملاکهایی که موجب شباهت دو علامت می گردد و از رویه های کشورهای مختلف بدست آمده ، زیادند که فعلاً از بحث در آنها صرف نظر می شود. چون قانون ایران منحصرأ یک ضابطه را که عبارت از «باشتاباه انداختن مشتری عادی» است، ملاک تشخیص برای داد گاهها قرار داده و از طرفی داد گاهها بندرت حاضرند از این محدوده قانون پا فراتر گذارند و جهات دیگر را صراحة ملاک تشخیص شباهت اعلام نمایند و ضمناً آرای زیادی نیز در این زمینه تا کنون صادر نگردیده و رویه ها نیز جمع آوری نشده تا در دسترس اهل فن و مورد انتقاد و نظر قضایی قرار گیرد ، علیهذا ضوابط و ملاک مشخص و معینی در تشخیص شباهت بین دو علامت بوجود نیامده و در نتیجه آرای متناقص و پراکنده ای صادر گردیده است .



برای نمونه یکی از آرای صادره قطعی دادگاه استان را که حتی بدون توجه به ضابطه قانونی مذکور، یعنی باشتاباه انداختن مشتری عادی صادر گردیده، مورد بحث قرار می دهیم . چای شهرزاد با علامت تنه یک زن در یک جام



مدتهاست در کشور ما سابقه دارد: علامت شهرزاد با مشخصاتی که در تصویر آن ملاحظه می‌شود، سال ۴۴ به ثبت رسیده است. در سال ۱۳۴۱ آقای الف. فقط تنه زنی را برای کالای چای به ثبت رسانیده و آقای ب. با انگیزه استفاده از شهرت علامت مزبور در سال ۱۳۴۶ کلمه شهر یور را به ثبت می‌رساند و سپس دو علامت تنه زن متعلق به آقای الف و علامت شهر یور را چنانکه در تصویر ملاحظه می‌شود، باهم تلفیق نموده و بدون تقاضای ثبت این علامت ترکیبی را که شبیه علامت چای شهرزاد است، در روی بسته بندی چای در معرض فروش می‌گذارد. تذکر این نکته در اینجا ضروری است که اگرچه الف. اجازه استفاده تنه زن را به ب. داده است، ولی گذشته از اینکه ترکیب دو علامت تنه زن و شهر یور اضافه کردن متون فارسی و انگلیسی اطراف بسته بندی و قسمت فوقانی و تحتانی بسته بندی بمنظور ایجاد شباهت بین دو علامت عملی خلاف اصول است، این شباهت مشتری عادی را به اشتباه می‌اندازد. از سوی دیگر قانون مربوط به ثبت علائم مواد خوراکی ضرورت وجود علامت و ثبت آنرا برای مواد خوراکی اعلام



نموده و عدم رعایت آن را جرم دانسته است . در مورد فوق علامت تر کیب شده از تنه زن متعلق به آقای الف . و علامت شهر یور متعلق به آقای ب . که خود علامت ثالث و جداگانه ایست ، به ثبت نرسیده است .

چنانکه فوقاً اشاره شد و برای استحضار خوانندگان رویه کشور فرانسه نیز در قسمت اول مقاله از نظر خوانندگان گذشت ، بین این دو علامت شباهت مجموعی و کلی موجود است و بدون تردید مشتری عادی را به اشتباه می اندازد . مشتری عادی چای تمام اهالی کشورند و چای در دورترین نقاط و کوچکترین دهات مصرف می شود و شك نیست که مردم عادی به اشتباه می افتند . بخصوص که از نظر رنگ بسته بندی و اندازه آن عیناً از رنگ و بسته بندی چای شهرزاد تقلید و بسته خود را برنگ آبی که یکی از پر فروشترین رنگهای چای شهرزاد است ، در آورده و عبارات ثبت شده اطراف بسته بندی چای شهرزاد که عبارت است از (چای مخلوط شهرزاد از بهترین چای سیلان و چای ایران تهیه و مخلوط گردیده است . اطمینان داریم مورد پسند ذایقه شما قرار خواهد گرفت) می باشد

بصورت زیر استفاده شده و بهمان ترتیب و رویه بسته بندی و چاپ شده است (چای مخلوط شهر یور از بهترین چای سیلان و ایران تهیه شده اطمینان داریم مورد پسند ذایقه شما قرار خواهد گرفت) و به همین علامت که در قسمت فوقانی بسته بندی چای شهر زاد قرار گرفته و بصورت کادری است با حاشیه گلپای کوچک که در آن کلمه شهر زاد قرار گرفته عیناً مورد استفاده و تقلید واقع ب. شده است و مضافاً علامت ترکیبی ب. تاکنون به ثبت نرسیده است. با آنکه قصد ب. از این ترکیب خلاف قانون و تقلید علامت و کلمات و رنگ بسته بندی کاملاً آشکار است و مدافعات مزبور در دادگاه استان بعمل آمده و مورد تأیید دادیار محترم دادگاه نیز واقع شده و دادیار مزبور نیز تقاضای مجازات متهم را نموده است، مع هذا دادگاه بعلت فقدان شباهتی که مشتری عادی را به اشتباه بیندازد، متهم را تبرئه نموده و تأسف آورتر از این حکم دستور آقای دادستان است که با وجود اظهار نظر دادیار دایر به قابل فرجام بودن چنین حکمی برخلاف نظر دادیار حکم مزبور را قابل فرجام ندانسته و با آنکه لاقلاً احتیاطاً ایجاب می نمود که آقای دادستان با وجود مشکلاتی که امروز فروروشندگان مواد تقلبی برای مردم ایران فراهم نموده اند، به چای شهر زاد اجازه دهد که با قابل فرجام نمودن حکم نظر خود را در دیوان کشور نیز ابراز دارد، بر عکس با تصمیم خود دایر به غیر قابل فرجام بودن حکم چای شهر زاد را از مراجعه به بالاترین مرجع قضایی محروم نمود.

در اینجائوچه قانونگذاران را به این نکته جلب می نماید که محروم کردن مردم از مراجعه بدستگاه قضاییه اینک از تعداد دعاوی کاسته شود، خلاف قانون اساسی و برخلاف اصل عدالت و آزادی است و مصلحت نیست اختیار مراجعه مردم به عالیترین دستگاه عدالت بدست اشخاصی گذارده شود که نظر قضایی آنها در کلیه موارد قابل نقض در دیوان کشور است و ممکن است در تشخیص قابل فرجام بودن امری اشتباه کنند. رسیدگی به امری در مراحل بالاتر ولو آنکه متضمن هیچ منفعتی نباشد، بمراتب بهتر از این است که این رسیدگی حذف گردد.